

رضا/اختیاری/امیری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۲

سید/احمد/هاشمی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۲۷

چکیده

جنبش حزب الله لبنان یکی از مهم ترین کنش گران غیردولتی منطقه ای محسوب می شود که تحت تاثیر شرایط داخلی و تحولات محیط پیرامونی به ویژه وقوع انقلاب اسلامی امکان زیست و موجودیت یافته است. با توجه به این که بنیان این جنبش بر مبنای مقابله با تجاوزات نظامی رژیم صهیونیستی اسرائیل شکل گرفته، این سازمان تلاش کرده تا توان و قابلیت های نظامی خود را به ویژه در حوزه موشکی طی یک دهه گذشته تقویت نماید. بر همین اساس، سؤال اصلی پژوهش بر این مبنا قرار گرفته است که افزایش توان نظامی و موشکی حزب الله لبنان تا چه میزانی در ایجاد بازدارندگی و متعاقباً ممانعت اسرائیل از تکرار تجاوزات نظامی در یک دهه اخیر مؤثر بوده است؟ در این پژوهش از رهیافت نظری بازدارندگی استفاده شده است. روش پژوهش نیز تحلیلی-تبیینی بوده و برای جمع آوری داده ها از منابع کتابخانه ای و اینترنتی استفاده شده است. یافته های پژوهش این انگاره را تایید می کند که افزایش توان نظامی - موشکی حزب الله به ویژه از مقطع جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶ به بعد قدرت بازدارندگی حزب الله را ارتقاء بخشیده و مانع از آن شده است که رژیم صهیونیستی جنگ جدیدی را علیه لبنان آغاز نماید.

واژگان کلیدی: بازدارندگی، حزب الله لبنان، اسرائیل، انقلاب اسلامی، ج.ا.ایران

r.ekhtiari@umz.ac.ir

* استادیار دانشگاه مازندران .

** دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران.

دو فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیست و چهارم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، (ص ۲۱۶-۱۸۷).

مقدمه

ژئوپلیتیک خاورمیانه در قرن بیستم شاهد ظهور جنبش‌های متعددی بوده که برخی از آنها صرفاً بعد سیاسی داشته و برخی دیگر نیز به فراخور شرایط و مقتضیات جنبه نظامی به خود گرفتند. یکی از این جنبش‌ها حزب‌الله لبنان است که به‌عنوان یک سازمان سیاسی- نظامی اسلام‌گرای شیعه تحت مؤلفه‌ها و عوامل داخلی و خارجی امکان موجودیت پیدا نمود. در همین ارتباط، تجاوز نظامی رژیم اشغالگر اسرائیل به لبنان و وقوع انقلاب اسلامی در ایران از عوامل بنیادین در شکل‌گیری حزب‌الله در سال ۱۹۸۲ محسوب می‌گردند. به‌عبارتی، جنبش حزب‌الله با الهام از ایدئولوژی اسلام سیاسی حضرت امام (ره) در لبنان ظهور کرد و متعاقباً تحت حمایت‌های مالی، سیاسی و نظامی ج.ا.ایران قرار گرفت.

جنبش حزب‌الله اهداف خود را این‌چنین تعریف می‌کند: مبارزه با اسرائیل و آزادسازی قدس و لبنان از سیطره‌ی این رژیم، احقاق حقوق سیاسی و اجتماعی شیعیان در لبنان و مبارزه با سلطه بیگانگان (حاتمی و بحرانی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین سیاسی‌شدن شیعیان لبنان و حرکت آنها از متن به حاشیه را باید مرهون اندیشه‌ی مقاومت ضد صهیونیستی دانست. ادامه‌ی جنگ داخلی، اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی، فقدان حاکمیت مرکزی و بی‌ثباتی، منجر به تکمیل روند سیاسی شدن شیعیان لبنان و خروج شیعیان از حالت رکود، یأس و حاشیه‌نشینی و تبدیل آنان به یک جامعه انقلابی شد. حزب‌الله توانست موقعیت شیعیان لبنان را ارتقاء دهد و حقوقی برابر با سایر شهروندان لبنان تبدیل کند. از این‌رو شیعیان لبنان، جایگاه فعلی خود را مرهون اقدامات حزب‌الله و شخصیت‌هایی مانند امام موسی‌صدر می‌دانند.

جنبش حزب‌الله لبنان از ۱۹۸۲ تا سال ۲۰۰۰ میلادی، بیشتر یک نیروی محلی بوده است که مراحل مختلفی (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی) را پشت سر نهاده است؛ اما این جنبش از سال ۲۰۰۶ میلادی تاکنون به یک نیروی فعال و تاثیرگذار در لبنان و منطقه خاورمیانه به‌ویژه در مقابل اسرائیل تبدیل شده است. به دیگر سخن، این جنبش در مدت ۳۰ سال گذشته از متغیری

کم تأثیر به وزنه‌ای جدی در برابر اسرائیل و دغدغه‌ی اصلی این رژیم در عرصه‌ی نظامی مبدل شده است (زارعان، ۱۳۹۳: ۴۸-۴۶). در همین ارتباط، جنگ ۳۳ روزه اسرائیل و لبنان در سال ۲۰۰۶ که در اسرائیل به «جنگ دوم لبنان» و در لبنان به «جنگ ژوئیه» یا «جنگ تموز» معروف است، نقش مهمی در تغییر جایگاه سیاسی و نظامی حزب‌الله به‌عنوان یک کنش‌گر منطقه‌ای ایفاء نموده است. با شکست ارتش مجهز اسرائیل در برابر حزب‌الله، این جنبش به یک «خطر راهبردی» برای رژیم صهیونیستی تبدیل شد. از همان مقطع به بعد حزب‌الله تلاش کرده تا با توجه به استمرار تهدیدات اسرائیل توان نظامی به‌ویژه قدرت موشکی خود را که نقش مؤثری در تغییر معادله میدانی جنگ ۳۳ روزه داشته است، تقویت نماید.

با توجه به افزایش توانمندی‌های نظامی حزب‌الله لبنان به‌ویژه طی یک دهه اخیر، هدف پژوهش حاضر آن است تا میزان موفقیت بازدارندگی توان نظامی - موشکی این جنبش را در مقابل رژیم اشغالگر اسرائیل طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ مورد تبیین و تحلیل قرار دهد. گردآوری داده‌ها نیز از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام گرفته است. رهیافت نظری پژوهش پارادایم بازدارندگی است که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت.

چارچوب نظری: بازدارندگی

بازدارندگی^۱ در ساده‌ترین شکل آن عبارت است از نوع ویژه‌ای از روابط اجتماعی یا سیاسی که در آن یک‌طرف سعی در نفوذ بر رفتار طرف دیگر در جهت مطلوب دارد و وی را تهدید می‌کند تا چنانچه در سمت مطلوب عمل کند، مورد مجازات یا دست‌کم محرومیت قرار نخواهد گرفت. بر این اساس، راهبرد بازدارندگی، راهبردی برای جنگیدن نیست، بلکه راهبرد برای حفظ وضع موجود، به انفعال کشاندن کشور هدف و سرانجام دستیابی به صلح و استقرار آن است و به‌منظور متقاعدکردن طرف مقابل طرح می‌شود تا به وی ثابت کند که در میان داده‌های ممکن، تجاوز کمترین اثر را دارد.

1. Deterrence

بازدارندگی دشمن را از نظر فیزیکی دفع نمی‌کند، بلکه از نظر روانی از تجاوز او جلوگیری می‌نماید (باقری‌دولت‌آبادی، ۱۳۹۲: ۳۹-۳۸). هدف از راهبرد بازدارندگی که در حوزه‌ی دفاع پیشگیرانه جای می‌گیرد، برنامه‌ریزی، مدیریت و کلیه‌ی اقداماتی است که کشور را در برابر تهدیدات احتمالی به درجه‌ای از آمادگی می‌رساند که باعث کاهش تهدید و آسیب‌پذیری شده و از وقوع درگیری جلوگیری می‌نماید (خبیری، ۱۳۸۲: ۶۷). بازدارندگی محصول رابطه‌ی متقابل است و ایجاد آن به‌صورت یک‌جانبه و بدون درگیرشدن در چنین رابطه‌ای امکان‌پذیر نیست. در حقیقت، بازدارندگی به‌خودی‌خود شرایطی است که در درون آن یک بازنده به این نتیجه می‌رسد که به‌گونه‌ای خاص رفتار نماید که قبلاً مدنظر آن نبوده است؛ چرا که بر این باور خواهد بود که ادامه‌ی چنین رفتارهایی نتایج غیرقابل‌تحملی در پی دارد. در این راستا، بازدارندگی در قالب سیستم هسته‌ای، متعارف، ترس از اقدام نامتقارن، ترس از مجازات جامعه‌ی خود توسط دشمن، یا ترس از شکست نظامی در جنگ و نتایج آن، همگی بازدارندگی محسوب می‌شوند و تحت تئوری و موضوع مشابه قرار می‌گیرد (قاسمی و کشاورز شکری، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

بنیان بازدارندگی بر اساس دو فرآیند تهدید به مجازات و ممانعت قرار می‌گیرد. تهدید به مجازات زمانی صورت می‌گیرد که طرف «الف» سعی می‌کند به طرف «ب» بفهماند اگر به انجام عمل خاصی ادامه دهد، با از بین بردن دارایی‌های ارزشمند طرف «ب»، واکنش نشان خواهد داد. بر این پایه، آنچه ممکن است باعث بازدارندگی شود، ترس «ب» از عملی شدن تهدید «الف» در صورت اقدام است. در بازدارندگی بر پایه‌ی تهدید به مجازات، هدف، القای این پیام به طرف مقابل است که اقدام او هزینه‌بر است و هزینه‌ی آن بیشتر از سودی است که به دست خواهد آورد. در اینجا ناکارآمدی بازدارندگی زمانی است که ضد تهدید «ب» آن قدر کارساز باشد که بتواند در برابر تهدید «الف» ایجاد موازنه نماید (بلیس و دیگران، ۱۳۸۳، ۲۲۵-۲۲۴). مکانیسم بازدارندگی بر پایه‌ی ممانعت نیز مشابه بازدارندگی بر پایه‌ی تهدید به مجازات است، اما در اینجا از تهدید خبری نیست، بلکه «الف» سعی دارد تا «ب» را متقاعد کند که اگر دست به اقدام خشونت‌بار بزند، نمی‌تواند به اهداف سیاسی-نظامی

خود دست یابد (ساسانیان (ب)، ۱۳۹۵). یک بازدارندگی موفق سه شاخصه مهم دارد: الف) توانایی یا قابلیت و ظرفیت‌های مقابله به مثلاً: توانایی تهدید در واقع توانایی تهدیدکننده برای آسیب رساندن به دشمن است. ب) اعتبار تهدید یا ضد تهدید: اعتبار تهدید با چند عامل قابل معناسازی است: اول آن که تهدیدی اعتبار دارد که طرف تهدیدشونده یا حوزه‌ی تهدید به آن باور داشته باشد. دوم، تهدیدات معتبر، تهدیداتی عقلانی‌اند یعنی از سوی حوزه‌ی تهدید و تهدیدشونده با محاسبات عقلانی قابل درک باشد و سوم آن که احتمال اجرای تهدید همواره از سوی تهدیدشونده با درصد بالا ارزیابی شود. ج) ابزار انتقال تهدید یا ضد تهدید: اعتبار بازدارندگی به ابزار انتقال تهدید یا ضد تهدید نیز بستگی دارد. برای این منظور، کانال‌های دیپلماتیک، کانال‌های اطلاعاتی و اقدامات تحکیمی از جمله ضروریات انتقال درست تهدید به شمار می‌روند (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۵۳۴-۵۳۲).

در این میان یکی از پرکاربردترین بازدارندگی‌هایی که در طول این چندین دهه در حال وقوع هست، می‌توان از بازدارندگی موشکی نام برد. تسلیحات موشکی در ابعاد نظامی و غیرنظامی و به لحاظ هزینه‌های دستیابی حایز خصوصیتی است که مورد توجه کشورهای جهان قرار گرفته است. برخی از نظریه‌پردازان معتقدند که موشک‌ها ابزار قدرت صدمه هستند. به این معنا که با شلیک آنها اهداف و منافع دشمن آسیب می‌بیند، اما توان نظامی او نابود نمی‌شود. به این ترتیب موشک‌ها دارای خواص اصلی یک استراتژی هسته‌ای هستند، مانند قدرت وارد کردن درد شدید و یا قدرت تخریب. به نظر این نظریه‌پردازان موشک‌ها با برخورداری از چنین خواصی دارای «خشونت نهفته»^۱ هستند و ابزار مناسبی برای بازدارندگی می‌باشند زیرا به این ترتیب می‌توانند رفتار دشمن را کنترل کنند. به این ترتیب یک «موازنه وحشت»^۲ شکل می‌گیرد و کشورها به منظور اجتناب از جنگ به دیپلماسی روی می‌آورند و موشک‌ها ابزار دیپلماسی می‌شوند (قوام ملکی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). در حقیقت نظریه‌ی بازدارندگی آخرین سازوکاری است که با مشخص کردن هزینه‌ی جنگ، عملاً از وقوع آن جلوگیری

1. Violence Lies

2. Balance of Terror

می‌کند. اصولاً به‌مثابه‌ی تهدیدی هدفمند و ابزاری برای نیل به اهداف سیاسی یا به تعبیری به ابزار دیپلماسی تبدیل شده است.

یک. انقلاب اسلامی و مبانی قوام‌بخش رابطه حزب‌الله با ج.ا.ایران

ظهور جنبش حزب‌الله لبنان علاوه بر بسترهای داخلی، عمدتاً تحت تأثیر تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه به‌ویژه وقوع انقلاب اسلامی در ایران بوده است. به باور بسیاری از اندیشمندان انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران نقطه‌ی عطفی در تاریخ خاورمیانه بوده که بسیاری از رویدادهای سیاسی این منطقه را تحت تأثیر خود قرار داده است (خسرو شیر و جوان، ۱۳۸۸: ۹۳)؛ اما میزان تأثیر این انقلاب بر پایه اوضاع خاص هر منطقه و قرابت‌های فکری، فرهنگی و جغرافیایی، متفاوت بوده است. به‌طور کلی، هر اندازه که ملت ایران در دستیابی به اهداف انقلابی با ملت‌های دیگر وجه اشتراک داشته است، استقبال آنها از این انقلاب نیز گسترده‌تر بوده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۳۳۱-۳۳۰). در همین ارتباط، انقلاب اسلامی ایران با تجدید حیات قدرت سیاسی اسلام در ایجاد اعتماد و بیداری ملت‌های تحت ستم، نقش مؤثری ایفا کرده و موجب بروز نوعی بیداری و احیای اسلامی آن هم بر پایه بازگشت به ایدئولوژی و مکتب اسلام گردید.

یکی از مناطقی که به‌صورت ملموس و چشمگیر از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته است، لبنان و بالأخص شیعیان این کشور می‌باشند؛ به این دلیل که باوجود طایفه‌های متعدد در جامعه لبنان، هر گروهی جهت اعمال نفوذ نیازمند توان ذاتی طایفه خود و همچنین حمایت یک قدرت خارجی می‌باشد. هرچند شیعیان لبنان با رهبری علمایی همچون علامه شرف‌الدین و امام موسی صدر، تلاش‌های بسیاری برای دستیابی به حقوق خود انجام دادند؛ موانع ایجاد شده از سوی دشمنان داخلی و خارجی، باعث شد که آنها به اهداف مورد نظر دست نیابند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران که هم‌زمان با ناپدیدشدن امام موسی صدر بود، بسترساز احیای نهضت شیعی لبنان شد و با ورود جمهوری اسلامی ایران به صحنه سیاسی لبنان، این کشور به مهمترین کانال اثرگذاری بر مسئله قدس، فلسطین و

منازعه اعراب با رژیم صهیونیستی تبدیل شد و شیعیان نیز با تأثیرپذیری از ایران در مقایسه با قبل از انقلاب، از حالت انفعالی خارج شده و به تدریج با انتقال از حاشیه قدرت به مرکز ثقل تحولات نقش فزاینده‌ای را در تحولات سیاسی اجتماعی لبنان بر عهده گرفتند (طاهری، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۴). به‌طوری‌که در حال حاضر می‌توان مدعی شد که بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و خواسته‌های آنان دستیابی به هرگونه توافق در جامعه فرقه‌ای- طایفه‌ای لبنان ممکن نیست.

جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس اهداف و اصول خود در سیاست خارجی، سیاست حمایت از شیعیان لبنان را که خواهان الگوگیری از انقلاب اسلامی و آموزه‌های آن بودند، در پیش گرفت. بر همین مبنا، در سال ۱۹۸۲ با حمایت جمهوری اسلامی ایران و تأیید امام خمینی (ره)، حزب‌الله لبنان با اتحاد گروه‌های متفرق شیعی تشکیل شد و پس‌از آن نیز به دلیل اشتراک‌های فراوان با جمهوری اسلامی ایران، این کشور طی سه دهه‌ی گذشته همواره از نظر مادی، سیاسی و لجستیکی حزب‌الله حمایت کرده است. در سطور ذیل به مبانی و مؤلفه‌هایی که روابط حزب‌الله لبنان را با ج.ا.ایران قوام بخشیده و آن را تقویت می‌نماید خواهیم پرداخت.

۱-۱. التزام به ولایت‌فقیه و رهبری امام خمینی (ره)

اصلی‌ترین ویژگی حزب‌الله در مقایسه با سایر گروه‌های اسلام‌گرای جهان عرب پذیرش نظریه ولایت‌فقیه و رهبری امام خمینی (ره) است. به عبارتی، مهم‌ترین ویژگی حزب‌الله را باید رابطه این جنبش با ولایت‌فقیه و استفاده از حمایت‌ها و هدایت‌های آن دانست (شیرودی، ۱۳۸۴: ۳۳). این ویژگی بر کلیه ارکان تشکیلاتی و همچنین دیدگاه حزب‌الله سیطره داشته و در واقع این مؤلفه یکی از دلایل اصلی ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرا در لبنان و تشکیل حزب‌الله در سال ۱۹۸۲ است (ابولقاسم‌زاده، ۱۳۸۸). در همین زمینه سید حسن نصرالله رهبر جنبش حزب‌الله اظهار می‌دارد: «توانمندی حزب‌الله که آن را در میان تمامی گروه‌های لبنانی برجسته و سرآمد کرده است و باعث حفظ انسجام و یکپارچگی آن شده، پیروی از ولایت‌فقیه است. ما کاملاً مطیع رهبری و مقام

ولایت فقیه هستیم و هرچه ایشان بفرمایند ما عمل می‌کنیم» (گلشنی و محسن باقری، ۱۳۹۱: ۱۳۹). از دیدگاه حزب‌الله لبنان، ولی فقیه بر شیعیان مؤمن تابع دولت‌های دیگر نیز رهبری معنوی دارد و اگرچه انقلاب اسلامی با ایران پیوند خورده و در آنجا شروع شده، ولی به آن کشور منحصر نشده است؛ زیرا امام خمینی (ره) روح انقلابی امت اسلام را نخست در ایران زنده ساخت و از آنجا به چهارگوشه‌ی جهان اسلام گسترش داد (حسینی و قاسمی حیدری، ۱۳۹۴: ۴۰). به‌طور کلی می‌توان بیان داشت، پس از تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر لبنان و متعاقباً تشکیل جنبش حزب‌الله موضوع التزام به ولایت فقیه به لحاظ معنوی و ایدئولوژیکی عامل وحدت‌بخش میان ایران و جنبش حزب‌الله بوده است.

۱-۲. محوریت روحانیت در ارکان حزب‌الله

نقشی که روحانیون در ارکان مختلف حزب‌الله دارند در هیچ‌یک از احزاب و سازمان‌های لبنانی سابقه ندارد. از تأسیس حزب‌الله تاکنون همواره اکثریت اعضای شورای حزب‌الله را روحانیون تشکیل داده‌اند و سخنگو و معاون دبیر کل همیشه روحانی بوده است. اکثر روحانیون حزب در نجف تحصیل کرده‌اند و تحت تاثیر روحانیون و علمای ایرانی بوده‌اند (ابوالقاسم‌زاده، ۱۳۸۸). پس از روی کار آمدن حزب بعث و آغاز سرکوب شدید شیعیان، روحانیون شیعه لبنان مجبور به بازگشت به کشور خود شدند. بیشتر این روحانیون را افرادی جوان و تحت تاثیر دیدگاه‌های امام خمینی تشکیل می‌دادند که با برپایی مدارس دینی در لبنان، آموزه‌های اسلام سیاسی و انقلابی را به نسل جدید لبنان منتقل کردند (حسینی و قاسمی حیدری، ۱۳۹۴: ۵۷). پس از ظهور رسمی حزب‌الله در سال ۱۹۸۲، با معرفی یک روحانی به‌عنوان سخنگوی رسمی و حضور روحانیون در شورای رهبری حزب، جایگاه روحانیون در آن برجسته شد. در آن موقع، به‌استثنای «حسین موسوی»، بقیه اعضای شورای رهبری حزب‌الله، روحانی بودند. ایدئولوژی حزب‌الله لبنان با الگوبرگشت از انقلاب ایران، بر اتحاد جدایی‌ناپذیر میان رهبری مذهبی و سیاسی تأکید داشته و به این سبب فقهای عالی‌رتبه،

جایگاه ویژه‌ای در میان اعضای حزب‌الله و جامعه لبنان کسب کرده و مسئولیت پاسداری از پیام خداوند را به عهده گرفتند. این نوع پاسداری مذهبی- سیاسی شامل بهره‌برداری از تئوری‌های شهید سید محمدباقر صدر و حضرت امام خمینی (ره) بود (طاهری، ۱۳۹۲؛ اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۸۱). به‌طور کلی می‌توان گفت از زمان تشکیل و حرکت این جنبش در لبنان روحانیت همواره نقش اصلی و پررنگی را بر عهده داشتند و علت آن‌هم به دلیل نفوذ و نقش روحانیون شیعه در این جنبش است.

۱-۳. نمادهای شیعی: گفتمان مقاومت

استفاده حزب‌الله از نمادها و سمبل‌های مذهب شیعه برای انتقال پیام‌های خود و تحریک و تشویق اعضا و پیروان به شیوه عمل خود بسیار مؤثر بوده است. علی‌رغم تفاوت در فرهنگ و جامعه ایران و لبنان این مؤلفه جلوه دیگری از اثرپذیری حزب‌الله از انقلاب اسلامی ایران است. نمادهایی مانند عاشورا، شهادت امام حسین^(ع)، سیره و جنگ‌های پیامبر^(ص) و امام علی^(ع) و... حزب‌الله را در انتقال پیام‌هایی مانند جهاد، شهادت، استقامت و تحمل‌پذیری توانمندتر ساخت. استفاده از این سمبل‌ها و تشویق به اتحاد و برادری در اندیشه شیعه باعث شد افراد با پیوستن به این گروه، از لبنانی بودن یا عضو یک طایفه محروم بودن در کشوری که از طریق جنگ طوایف مختلف و متعدد پاره‌پاره شده بود دست بردارند (ابوالقاسم‌زاده، ۱۳۸۸). الگوی مقاومت در لبنان نیز، متأثر از انقلاب اسلامی ایران، تنها چند روز پس از تهاجم ارتش اسرائیل توسط عده‌ای از جوانان شیعه محقق شد و آنها توانستند با اسلحه‌های سبک، دروازه جنوبی شهر بیروت را بر روی نیروهای اسرائیلی ببندند. جوانانی که خود را «پیرو امام خمینی» معرفی کردند، اعلام کردند که این نهضت اسلامی ایران است که انرژی مقاومت آنها را صدچندان می‌کند. در همین راستا، جرقه‌های مقاومت در جنبش حزب‌الله در قالب «عملیات شهادت‌طلبانه»، افق جدیدی را در مبارزه گشود (طاهری، ۱۳۹۲). عملیات‌های شهادت‌طلبانه اعضای حزب‌الله که منجر به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از

نظامیان صهیونیستی شده بود، نقش مهمی در مفصل‌بندی جنبش حزب‌الله ایفاء نمود.

۱-۴. ادبیات سیاسی و روش‌های تبلیغاتی

ادبیات سیاسی حزب‌الله نیز نشانگر تاثیرپذیری این حزب از انقلاب اسلامی ایران است. واژه‌ها و اصطلاحاتی که در آثار و بیانیه‌های حزب‌الله یا شخصیت‌های این حزب به کار برده می‌شد، برگرفته از واژه‌ها و اصطلاحاتی است که توسط انقلاب اسلامی ایران رواج داده است. همچنین، روش‌ها و ابزارهای تبلیغاتی حزب‌الله در دهه‌های گذشته، با ابزارهای تبلیغاتی در جامعه ایران مشابهت دارد. برای مثال می‌توان به برگزاری مراسم روز عاشورا و راهپیمایی روز قدس، تشییع پیکر شهدا، راهپیمایی‌ها و سخنرانی‌ها و استفاده از امکانات ویدیویی از سوی این حزب، نظیر کاربرد نوار کاست در دوران انقلاب اسلامی ایران جهت انتقال پیام‌ها اشاره کرد (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۵/۶/۳۱). همچنین، فرهنگ شعارهای حزب‌الله، عاریت گرفته شده از قاموس انقلاب اسلامی ایران است. انتخاب عنوان «حزب‌الله» درعین‌حال که برگرفته از آیه ۲۲ و ۵۶ سوره مائده (و من یتولی الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب‌الله هم الغالبون)؛ (اولئک حزب‌الله الا ان حزب‌الله هم الغالبون) است، از فرهنگ سیاسی ایران پس از انقلاب نیز نشأت گرفته است. در گفتمان حزب‌الله، مسایلی از قبیل مسلمانان و ملل ضعیف جهان، تحت عنوان مستضعفان، آمریکا و شوروی (سابق) به‌عنوان استکبار جهانی، اسرائیل غاصب به‌عنوان غده سرطان، موضوع وحدت اسلامی برای مقابله با دشمنان خدا و اسلام، آزادی قدس و اینکه راه قدس از کربلا می‌گذرد، از فرهنگ انقلاب اسلامی و سخنان امام خمینی (ره) به عاریت گرفته شده بود. علاوه بر این، این جنبش برای بسیج مردمی و سخنرانی و خطابه‌های خود نیز مانند ایران از مساجد استفاده می‌کند.

سیر تکوین تقابل حزب‌الله با اشغالگری اسرائیل

پس از تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ که منجر به اشغال قسمت قابل‌توجهی از

سرزمین فلسطین گشت، بخش‌هایی از جنوب لبنان نیز توسط متجاوزان اسرائیلی به اشغال درآمد. باوجود قرارداد متارکه بین اسرائیل و لبنان در سال ۱۹۴۹ اشغالگری رژیم اسرائیل پایان نیافت و در ژوئن سال ۱۹۸۲ این رژیم با تهاجم گسترده بخش عظیمی از جنوب لبنان ازجمله پایتخت این کشور یعنی بیروت را به محاصره درآورد. این حمله‌ی وسیع تاثیر بسزایی در بسیج سیاسی و نظامی جامعه‌ی شیعیان لبنان داشت و نخستین جرقه‌های تشکیل مقاومت اسلامی در برابر اشغالگران از همین مقطع زده شد. در همین راستا، گروه‌های شیعی که بیشتر در شهر بعلبک مستقر شده بودند، تشکیلات واحدی را ایجاد نموده و بستر لازم برای تولد جنبش حزب‌الله لبنان فراهم آوردند. در این زمان اختلافات سیاسی در جنبش شیعی امل بالا گرفت. این اختلافات بر سر موضع جنبش امل در برخورد با تحولات سیاسی و امنیتی لبنان و تهاجم اسرائیل به لبنان پیش آمد. در پی این اختلافات بود که تعداد بسیاری از رهبران درجه اول جنبش امل همچون سید عباس موسوی، سید حسین موسوی، شیخ صبحی طفیلی و سید حسن نصرالله از جنبش کناره‌گیری کرده و هسته‌های اولیه حزب‌الله را به‌وجود آوردند (حاتمی، بحرانی، ۱۳۹۲). در همین ارتباط، بارزترین دلیل ظهور جنبش حزب‌الله را می‌توان بروز بحران اجتماعی در جامعه لبنان برشمرد که خود ناشی از ضعف نظامی و بحران هویت و مشروعیتی است که به‌دلیل اشغال لبنان توسط اسرائیل بروز کرد. شکست‌های متناوب اعراب از اسرائیل، احساس حقارت و ترس از رژیم صهیونیستی در میان مردم لبنان، عدم کامیابی گروه‌های فعال در عرصه مبارزاتی- سیاسی لبنان در مقابله با متجاوز و شکست ارتش ملی باعث تقویت احساس نفرت از دشمن شد و آرزوی روزهای سرافرازی اسلام را در دل مسلمانان لبنان بیدار کرد. ازاین‌رو در شیعیان میل به مقاومت در برابر دشمن با توجه به آموزه‌های اسلامی و شیعی جهاد، ایثار، مقاومت و شهادت احیاء شد (ابوالقاسم‌زاده، ۱۳۸۸).

حزب‌الله لبنان حامل همان ایدئولوژی انقلاب اسلامی بود؛ یعنی تکیه بر توانایی‌های خود به‌منظور سرکوب دشمن. ازاین‌رو جمهوری اسلامی ایران حزب‌الله را نوک پیکان مبارزه‌ی خود با اسرائیل محسوب نمود و بر اساس تعالیم اسلامی حمایت از آن را سرلوحه‌ی سیاست‌های خود قرار

داد. علاوه بر آن ایران با حضور در لبنان از قابلیت افزایش عمق استراتژیک خود در موضوع جنگ با عراق برخوردار می‌شد (گلشنی و محسن باقری، ۱۳۹۱، ۱۳۷؛ اسداللهی، ۱۳۸۲، ۱۷۲-۱۷۰). پس از راه‌اندازی دوره‌های آموزشی- نظامی در دره بقاع توسط سپاه پاسداران، به تدریج هسته‌های مقاومت شکل گرفت. در همین ارتباط، حزب‌الله برای اولین بار در ۶ ژانویه ۱۹۸۴ به‌طور رسمی بیانیه‌ای نظامی را با امضای مقاومت اسلامی منتشر ساخت که در آن به مبانی اسلام و مقاومت در برابر اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی تأکید شده بود.

حزب‌الله در ابتدای فعالیت مقاومت علیه ارتش رژیم صهیونیستی، روش مسامحه و گذشت را در برخورد با افرادی که به‌گونه‌ای با ارتش این رژیم ارتباط داشتند در پیش گرفت؛ زیرا در آن تاریخ، هدف حزب‌الله این بود که ثابت کند ارتش رژیم صهیونیستی دشمن است و نه دوست. علاوه بر این، در پیش گرفتن چنین سیاستی نه‌تنها برای جذب داوطلبان مقاومت، بلکه برای تضمین و تداوم مبارزه با دشمن نیز امری لازم و ضروری برای حزب‌الله بود (اسداللهی، ۱۳۸۶، ۷۶-۷۴). اما به تدریج عملیات نظامی حزب‌الله بر ضد ارتش اسرائیل افزایش چشمگیری یافت تا اینکه شاخه‌ی نظامی آن استواری لازم را پیدا کرد.

تا سال ۱۹۸۹، حزب‌الله اقدامات خود را بر مبارزه با رژیم صهیونیستی متمرکز کرده بود. روند مقاومت سرانجام ارتش رژیم صهیونیستی را در ماه می سال ۲۰۰۰ میلادی وادار به ترک خاک لبنان کرد و برای اولین بار چنین پیروزی عظیمی به‌دست آمد. پیروزی مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و وادار کردن این رژیم به تخلیه اراضی اشغالی بدون مذاکره و بدون اعطای امتیاز، تحولی بی‌سابقه در منطقه بود. این پیروزی بر روحیه ملل منطقه و امت اسلامی تاثیر گذاشت؛ آن هم زمانی که روحیه شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی در منطقه غالب شده بود. لذا تاثیر روانی این پیروزی بسیار مهم بود (حاتمی و بحرانی، ۱۳۹۲؛ زارعان، ۱۳۹۳: ۴۵). این وضعیت با شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه جولای ۲۰۰۶، وارد مرحله‌ی جدیدی شد. شکست اسرائیل ضمن افزایش جایگاه حزب‌الله در لبنان و خاورمیانه و تحلیل جایگاه نظامی-امنیتی اسرائیل در

منطقه، (گلشنی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۳۸) معادلات آمریکا را نیز در منطقه با چالش جدی مواجه ساخت. در همین ارتباط، «الیوت آبرامز» معاون مشاور امنیت ملی آمریکا در دولت جورج بوش و مسئول سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه در مقاله‌ای که در آکادمی مطالعات امنیت داخلی رژیم صهیونیستی انتشار یافت، ضمن تصدیق شکست اسرائیل در این جنگ تأکید می‌کند که ناتوانی ارتش اسرائیل در برابر حزب‌الله باعث ناامید شدن دولت آمریکا و به شکست کشاندن نقشه‌های آنها در لبنان و منطقه شد (روزنامه انتخاب، ۱۹ / ۵ / ۱۳۹۵). این بیانات مبین این واقعیت است که آغاز جنگ بخشی از طرح آمریکا برای تسلط بر لبنان و منطقه و حذف حزب‌الله از معادلات داخلی لبنان یا تضعیف آن بود تا بتواند پیروزی آمریکا در رسیدن به اهداف خود در عرصه سیاسی لبنان را تضمین کرده و جایگاه محور وابسته به خود را تقویت کند.

جنگ ۳۳ روزه در تاریخ مناسبات لبنان و رژیم صهیونیستی بسیار حایز اهمیت بوده و نقطه عطفی در مبارزه حزب‌الله در برابر تجاوزات نظامی اسرائیل محسوب می‌گردد. چرا که این جنگ خسارات فراوان نظامی- اقتصادی برای رژیم صهیونیستی در پی داشت که همین موضوع عامل اصلی بازدارنده در برابر اقدامات تجاوزکارانه این رژیم در یک دهه گذشته محسوب می‌گردد. بر اساس گزارش رسمی ۳۰۰ صفحه‌ای مرکز فرانسوی «محور منطق»^۱ که در ایالت ماساچوست آمریکا فعالیت می‌کند تلفات و خسارات اسرائیل بسیار خیره‌کننده و چشمگیر بوده است. بر اساس این گزارش، در این جنگ ۲۳۰۰ صهیونیست به هلاکت رسیده و بیش از ۷۰۰ نفر زخمی شده‌اند، این در حالی است که اسرائیل آمار تلفات این جنگ را ۱۱۹ نفر ذکر کرده بود. همچنین تعداد ۱۶۰ تانک متعلق به اسرائیل منهدم شده‌اند که ۶۵ دستگاه از آنها به‌طور کامل از بین رفته است، ۳۸ دستگاه از این تانک‌ها نیز از نوع «مرکاوا» بودند که اسرائیل ادعا می‌کرد این تانک‌ها غیرقابل انهدام هستند. علاوه بر این حدود ۲۰ هزار نفر نیز دچار آسیب‌های روانی شدند. همچنین، حدود ۵۰۰۰ موشک کاتیوشا به‌سوی اسرائیل شلیک شد که ۵ درصد این موشک‌ها با برخورد مستقیم به اهداف

1. Axis of logic.

اسرائیلی موجب خسارات هفتگی در ۱۱ هزار منزل، ۵۰ مؤسسه صنعتی، ۵۵۰ مکان تجاری و ۱۲۰۰ خودرو شد. درزمینه‌ی کشاورزی نیز، پرتاب موشک‌های کاتیوشا مانع برداشت محصولات کشاورزی در مساحتی به وسعت ۱۸۰ هزار دونم در شمال اسرائیل شده است. به لحاظ اقتصادی اسرائیل در این جنگ روزانه ۱۱۰ میلیون دلار متضرر شده است (کریمی، ۱۳۸۸). این جنگ همچنین موجب افزایش بودجه نظامی وزارت دفاع اسرائیل در سال ۲۰۰۷ شد.

بنابراین می‌توان بیان داشت که در حال حاضر حزب‌الله در خاورمیانه و در جهان اسلام به‌عنوان نیرویی شناخته می‌شود که توان شکست رژیم صهیونیستی و ضربه زدن به منافع غرب را دارد و درعین حال نحوه امتیازگیری از دشمن را به‌خوبی می‌داند (زارعان، ۱۳۹۳: ۵۳). به‌طور کلی، اکنون حزب‌الله لبنان صرفاً یک حزب ملی و معمولی در یکی از کشورهای کوچک خاورمیانه محسوب نمی‌گردد. چراکه این حزب گرچه خود را در چارچوب‌های ملی تعریف کرده و در چنین فرآیندی به‌شدت فعال شده است، اما درعین حال از ویژگی‌های فراملی بسیاری برخوردار بوده و کارکرد منطقه‌ای قابل توجهی پیدا کرده است. به عبارتی، حزب‌الله در شرایط حاضر علاوه بر این که می‌تواند بر محیط داخلی خود اثر مستقیم داشته باشد بر محیط پیرامونی خود نیز تاثیرگذار است. تاثیرپذیری گروه‌های جهادی منطقه نظیر حماس از این جنبش نیز در همین راستا قابل ارزیابی است.

دو. توان نظامی و قدرت بازدارندگی حزب‌الله

۱-۲. تقویت قدرت موشکی راهبرد اصلی در موازنه وحشت

با توجه به پیروزی و دستاوردهای نظامی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه، رهبران این جنبش تلاش کردند تا به‌طور فزاینده‌ای بر توان نظامی و موشکی خود افزوده و این سازمان را تبدیل به یک بازیگر قدرتمند نظامی تبدیل کنند. در همین زمینه «ژنرال گابی تسور»، فرمانده نیروی زمینی ارتش اسرائیل، بیان می‌دارد که «نصرالله توانسته است حزب‌الله را از نظر توان نظامی به یکی از قوی‌ترین سازمان‌های جهان تبدیل کند و توان رزمی و زرادخانه موشکی آن و شیوه‌های جنگی

آن را در میادین جنگ‌های آینده رشد دهد» (پایگاه خبری خاورمیانه، ۱۳۹۵/۸/۲۵). اقدامات حزب‌الله جهت بهسازی توانمندی نظامی خود موجب شده تا برخی از نظامیان اسرائیلی حزب‌الله را قدرتمندترین دشمن در مقابله با اسرائیل قلمداد کنند.

در همین راستا، مرکز مطالعات امنیت داخلی رژیم صهیونیستی در ارزیابی راهبردی خود در سال ۲۰۱۶-۲۰۱۷ بیان کرده است که حزب‌الله لبنان در اولویت اصلی تهدیدات اسرائیل می‌باشد و ایران و جنبش حماس در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این مرکز صهیونیستی می‌افزاید که حزب‌الله علاوه بر اراده قوی، موشک‌های دقیق باقابلیت تخریب بیشتر و برد بالا و هواپیماهای بدون سرنشین هجومی و انتحاری و موشک‌های پیشرفته ساحل به دریا و سامانه دفاع هوایی از بهترین صنایع نظامی روسیه و یگان‌های زمینی آموزش‌دیده برای تسلط بر شهرک‌های اسرائیلی برخوردار است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵/۱۲/۱۰). درواقع، فاصله بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ فرصت خوبی برای حزب‌الله بود تا بتواند توان تسلیحاتی خود را تقویت کند، این چیزی است که صهیونیست‌ها از آن تحت عنوان «آرامش وحشت»^۱ نام می‌برند. اسرائیلی‌ها معتقدند که هراندازه این فاصله زمانی بیشتر طول بکشد، مقابله با حزب‌الله لبنان برای بازگرداندن موازنه‌های قدرت به واپسین سال‌های هزاره گذشته میلادی مشکل‌تر خواهد بود (عباسی، ۱۳۹۵). در همین ارتباط، در سایه جنگ نامتقارن^۲، به‌علت برتری هوایی رژیم صهیونیستی، حزب‌الله لبنان تلاش کرده تا توان موشکی خود را تقویت نماید. به دیگر سخن، رهبران این جنبش تولید موشک‌های متنوع را بهترین و مفیدترین وسیله در جنگ نامتقارن می‌دانند که می‌تواند جبهه داخلی اسرائیل را تهدید کند و نوعی از توازن وحشت و بازدارندگی متقابل^۳ بین حزب‌الله و رژیم اسرائیل ایجاد کند. در مقابل نیز رژیم صهیونیستی استراتژی‌های مختلفی را تحت عناوین و اصطلاحات متعدد برای مقابله با قابلیت‌های موشکی حزب‌الله در است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

1. The Quietness of Terror
2. Asymmetric Warfare
3. Mutual Deterrence

۱. استراتژی سوت موشک‌ها: این استراتژی از سوی «موشه یعلون» رئیس سابق ستاد ارتش رژیم صهیونیستی بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ اعلام شد. در آن زمان اسرائیلی‌ها معتقد بودند که مقابله نظامی باعث از بین رفتن حزب‌الله نمی‌شود و بهتر است آن را رها کرد تا در مشکلات سیاست داخلی لبنان غرق شود. آن‌ها می‌خواستند به این ترتیب حزب‌الله را وارد فتنه‌های منطقه‌ای کنند تا بتوانند آن را از مقابله با اسرائیل دور کرده و موشک‌های آن را ناکارآمد کنند.

۲. استراتژی دیدگاه ضاحیه: این ایده را گادی آیزنکوت فرمانده وقت منطقه شمالی رژیم صهیونیستی در ۴ اکتبر سال ۲۰۰۸ در واکنش به تهدیدات سید حسن نصرالله در مراسم تشییع پیکر شهید مغنیه مبنی بر انتقام گرفتن مطرح کرد. منظور آیزنکوت از این ایده آغاز جنگی بود که بتواند نقشه‌های منطقه را تغییر داده و واکنشی نامتقارن نسبت به پرتاب هر موشک به سرزمین‌های اشغالی در پی داشته باشد و بتوان ویرانی گسترده ایجاد شده در ضاحیه بیروت را به تمام لبنان تعمیم دهد.

۳. استراتژی بازدارندگی متقابل: در ۱۴ آگوست ۲۰۰۹ هنگامی که سید حسن نصرالله معادله جدید خود مبنی بر هدف قرار دادن تل‌آویو در برابر موشک‌باران ضاحیه را مطرح کرد و در ۱۶ فوریه ۲۰۱۰ نیز موضوع تخریب چندین ساختمان در تل‌آویو در صورت تخریب یک ساختمان در ضاحیه از سوی نصرالله مطرح شد، دیدگاه ضاحیه آیزنکوت مختل شد. این درحالی بود که در آن زمان گزارش‌های اسرائیلی‌ها نشان می‌داد حزب‌الله لبنان بیش از ۴۰ هزار موشک در اختیار دارد که برخی از آنها نظیر موشک‌های زلزال و ام ۶۰۰ قدرت تخریبی بسیار زیادی دارد و می‌تواند به تل‌آویو و اطراف آن نیز برسد. این موضوع باعث شد آیزنکوت در ۲۴ می سال ۲۰۱۰ به جنگ سرد با حزب‌الله و بازدارندگی متقابل اذعان کند و در موضع دفاعی قرار گرفته و به دنبال تقویت سیستم‌های دفاع موشکی خود و سامانه‌هایی نظیر گنبد آهنین، حیتس و پاتریوت باشد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵/۱۲/۱۰).

بدون تردید آگاهی از توانمندی‌های نظامی حزب‌الله کار بسیار مشکلی است، به دلیل این که

بسیاری از این اطلاعات جنبه محرمانه دارند و به آسانی در اختیار قرار نمی گیرند؛ اما باین حال در سطور ذیل به برخی از تسلیحات استراتژیکی حزب الله که اسرائیل از آنها سخن به میان آورده اشاره خواهیم کرد:

۱. زلزال: دارای بردی معادل ۱۰۰ تا ۴۰۰ کیلومتر است و مخربترین موشک حزب الله با کلاهک جنگی ۶۰۰ کیلوگرم محسوب می شود. حزب الله در جنگ ۲۰۰۶ قصد شلیک این موشک به تل آویو را داشت که با صدور قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت و آتش بس این اتفاق نیفتاد. موشک های حزب الله دارای سیستم هدایت تلویزیونی هستند. تعداد زلزال های حزب الله نیز ۳۰ فروند تخمین زده می شود (زرچینی، ۱۳۹۴).

۲. موشک فاتح ۱۱۰: «فاتح ۱۱۰» کلاس A موشکی سطح به سطح با بردی بیش از ۲۰۰ کیلومتر و وزن سر جنگی ۵۰۰ کیلوگرم است. این موشک از دقت فوق العاده و قدرت تخریب بالا برخوردار است. این موشک از سامانه های پیشرفته هدایت و ناوبری برخوردار است و تا پایان مسیر هدایت می شود.

در همین رابطه، روزنامه الاخبار لبنان می نویسد: موشک «فاتح» می تواند در کمتر از دو دقیقه وزارت جنگ و ستاد ارتش رژیم صهیونیستی را ویران کند و هفت موشک از نوع مذکور می تواند کارایی تمامی سامانه های دفاع موشکی تل آویو را در کمتر از ۱ دقیقه از بین ببرد (زرچینی، ۱۳۹۵). فاتح ۱۱۰ که به کمک ایران تولید شده است تهدیدی برای امنیت سایت های هسته ای اسرائیل نیز محسوب می گردد. در همین راستا، «عمیر پرتص» وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی اعتراف کرد حزب الله امروز موشک هایی از نوع فاتح ۱۱۰ را در اختیار دارد که موشک هایی رهگیر و بسیار دقیق هستند و می توانند اهداف موجود در ۳۰۰ کیلومتری را هدف قرار دهند، به این ترتیب حزب الله لبنان می تواند تأسیسات اتمی دیمونا را نیز هدف قرار دهد. در مجموع، همان گونه که «عوزی ایلام» سرتیپ نیروهای ذخیره رژیم صهیونیستی و مدیرکل سابق کمیته انرژی اتمی اسرائیل بیان می دارد باوجود اینکه این رژیم در توسعه توانمندی های دفاعی خود پیشرفت داشته است، اما این بدان معنا

نیست که ناوگانی از موشک‌های شلیک شده از شمال اسرائیل نتواند به آنها آسیب برساند (عباسی، ۱۳۹۵). بدین ترتیب این رژیم در یک وحشت دائمی بسر می‌برد.

۳. موشک یاخونت: «یاخونت»^۱ با کد SS-N-26 یک موشک کروز ضد کشتی مافوق صوت هوا به زمین و سطح به سطح ساخت روسیه بوده که در نمونه‌های هوا پایه، دریا پایه و زمین پایه توسعه داده شده است. این موشک قریب به ۹۰ سانتی توانایی حمل ده‌ها کیلوگرم مواد انفجاری را دارد. سایت «گلوبال سیکیوریتی»^۲ درباره «یاخونت پی ۸۰۰» می‌نویسد که این موشک دارای برد ۳۰۰ کیلومتر و سرجنگی قابل حمل ۲۰۰ کیلوگرم بوده که توانایی «کروز» بودن را چند صد متر بالای آب دارد. (شایان ذکر است موشک کروز، موشکی است که سامانه هدایت و کنترل^۳ در تمام مرحله شلیک موشک از مبدأ تا مقصد فعال است). همان‌گونه که «جفری وایت» تحلیل‌گر مسایل دفاعی در «اندیشکده واشنگتن برای سیاست‌های خاور نزدیک»^۴ بیان می‌دارد، حزب‌الله با بهره‌برداری از سامانه‌های پیشرفته پدافند هوایی و موشک‌های کروز «یاخونت» اهداف دریایی، نیروی هوایی اسرائیل و سکوه‌های نفتی این رژیم را در دریای مدیترانه هدف قرار دهد (زرچینی، ۱۳۹۵). در حقیقت این موشک هدایت شونده قادر است مواضعی در داخل اسرائیل - از جمله در مناطق مرکزی و جنوبی - شامل مقرهای فرماندهی، پایگاه‌های هوایی و مواضع اقتصادی را مورد هدف قرار دهد.

۴. اسکاد: یک موشک زمین به زمین برد کوتاه بوده که بردی معادل ۱۸۰ تا ۶۰۰ کیلومتر دارد. کلاس‌های مختلف این موشک با نام‌های «اسکاد ای»، «اسکاد بی»، «اسکاد سی» و «اسکاد دی»

-
1. Yakhont
 2. Global Security
 3. Guidance and Control
 4. Washington Institute for Near East Policy (WINEP)

است. بر اساس ارزیابی نشریه جینس^۱، کلاس‌های مختلف این موشک با طولی بین ۱۰ تا ۱۲٫۵ متر، وزن پرتاب ۴٫۵ تا ۶٫۵ تن، سرچنگی تکی، با توانایی حمل کلاهک متعارف یا نامتعارف، هدایت «اینرسی» (هدایتی که پارامترهای شتاب و سرعت مدنظر قرار می‌دهد)، سوخت یک مرحله‌ای و برد ۱۸۰ تا ۵۵۰ کیلومتر که ساخت روسیه است (زرچینی، ۱۳۹۴). این موشک‌ها می‌تواند نقاط مهمی از سرزمین‌های اشغالی از جمله «تل‌آویو»، «حیفا» و «دیمونا» را هدف قرار دهد و این موضوع نگرانی‌های بیشتر اسرائیل را سبب شده است.

۵. موشک «ام ۶۰۰»: وب‌سایت میسل تریت^۲ درباره موشک کوتاه برد ارتش سوریه نوشت: «تشرین M-۶۰۰» یک موشک بالستیک زمین به زمین بوده که گزارش‌های مختلفی از سازوکارهای بهینه‌سازی این موشک ارایه شده است. این سایت ادامه داد: این موشک با طول قریب به ۹ متر، قطر قریب به ۶۰/۰ متر، وزن کلی پرتاب ۳ هزار و ۴۵۰ کیلوگرم، وزن سرچنگی ۵۰۰ کیلوگرم، دارای سامانه هدایت ویژه‌ای است. اولین پرتاب‌های این موشک در سال ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ بوده و به‌عنوان یک موشک عملیاتی شناخته شده است. این موشک بردی بیش از ۲۰۰ کیلومتر دارد و دارای سوخت جامد بوده و هدایت آن اینرسی است که با سامانه اطلاعات جغرافیایی به‌روزرسانی می‌شود (زرچینی، ۱۳۹۵). این موشک از طریق دولت سوریه در اختیار حزب‌الله قرار گرفته است. به‌طورکلی، طبق آخرین گزارش‌ها زرادخانه حزب‌الله از ۳۳ هزار راکت و موشک قبل از نبرد سال ۲۰۰۶ به ۱۵۰ هزار موشک افزایش یافته است. در همین رابطه، «نوعم تیفون» از فرماندهان ارتش رژیم صهیونیستی اذعان می‌دارد که «حزب‌الله هشتمین رتبه را از لحاظ قدرت موشکی در سطح جهان دارد ... و در صورت هرگونه جنگ احتمالی با حزب‌الله، اسرائیل نمی‌تواند برای چند هفته متوالی حجم فراوان موشک‌های شلیک شده از سوی این گروه را تحمل کند». (روزنامه فرهیختگان، ۴/۳ ۱۳۹۶). توان موشکی حزب‌الله موجب شده تا برخی از مقامات رژیم

1. Janes

2. Missile Threat

اسرائیل از آغاز جنگ جدید ممانعت کنند. چراکه، همان طوری که «ایتان هابر»، رئیس دفتر اسحاق رابین نخست وزیر اسبق اسرائیل اظهار می دارد به دلیل قدرت موشکی حزب الله دیگر چیزی به نام جنگ تاکتیکی وجود ندارد و فقط جنگ بزرگ وجود دارد (پایگاه خبری خاورمیانه، ۱۴ / ۸ / ۱۳۹۵).

اعتراف به افزایش توان موشکی حزب الله در حالی صورت می گیرد که این سازمان در جنگ روانی و رسانه ای نیز با موفقیت عمل کرده و توانسته است تا حدودی زیادی در بعد روانی بازدارندگی عملکرد مؤثری داشته باشد. در این بین سخنان تهدیدآمیز سید حسن نصرالله علیه صهیونیست ها نقش بسیار حایز اهمیتی در تضعیف اراده تجاوزکارانه آنها داشته است. آنچه مسلم است این موضوع است که بر اساس گسترش توان نظامی و موشکی حزب الله، توان تسلیحاتی رژیم صهیونیستی طی سال های اخیر رشد قابل توجهی داشته است. در همین زمینه، مؤسسه بین المللی پژوهش های صلح استکهلم به تازگی آمار هزینه های نظامی در سطح جهان را منتشر کرده است که بر اساس آن در سال ۲۰۱۶ در سراسر جهان ۱۶۸۶ میلیارد دلار صرف اهداف نظامی شده است که در این بین اسرائیل حدود ۱/۱ درصد رشد در هزینه های نظامی خود داشته است (شورای راهبردی خارجی، ۱۳۹۶/۲/۶). افزایش خریدهای تسلیحاتی اسرائیل از قبیل موشک میان برد هوا به هوا، بمب های سنگر شکن زیر دریایی پیشرفته و کشتی موشک انداز خود حاکی از بیم و وحشت این رژیم از تهدیدات امنیتی در محیط پیرامونی به ویژه از سوی نیروهای مقاومت نظیر حزب الله می باشد؛ اما این سلاح ها با توجه به توان نظامی فعلی حزب الله با هدف تجاوز خریداری نشده بلکه عمدتاً در راستای بازدارندگی متقابل می باشد.

۲-۲. بازدارندگی: الگوی امنیت ساز

به نظر می رسد که اوضاع کنونی بین حزب الله و رژیم صهیونیستی تداعی کننده نوعی «جنگ سرد» باشد که تحت این فضا دو طرف از مواجهه مستقیم نظامی خودداری می کنند. این اصطلاح

نخست توسط گادی آیزنکوت^۱، فرمانده سابق منطقه شمالی ارتش رژیم صهیونیستی، بعد از معادله بازدارنده جدید سید حسن نصرالله دبیرکل حزبالله لبنان درزمینه‌ی تناسب شدت موشک‌باران و ویرانی بین دو طرف مطرح شد؛ که نقطه عطفی در مقابله با رژیم صهیونیستی محسوب می‌گردد. هدف رهبر حزبالله ایجاد موازنه وحشت در محاسبات استراتژیکی بود تا هزینه تجاوز بیش‌ازپیش ملموس و روشن گردد. در عاشورای سال گذشته سید حسن نصرالله به اشغال‌گران اسرائیلی هشدار داد که «[در صورت وقوع جنگ] هیچ منطقه‌ی امنی را در امتداد خاک فلسطین اشغالی پیدا نخواهند کرد که موشک‌های حزبالله لبنان به آنجا نرسد» (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵/۱۲/۱۰). بنابراین می‌توان استدلال کرد اکنون امنیت و ثباتی نسبی که بر مرزهای دو کشور حاکم است مرهون محدودیت‌ها و بازدارندگی است که حزبالله لبنان موفق شده هم در عرصه عملیاتی و هم در بعد روانی در ادراکات رهبران سیاسی و استراتژیست‌های نظامی این رژیم در بررسی گزینه‌های جنگی ایجاد نماید.

منطق بازدارندگی که حزبالله از آن بهره می‌برد، بازدارندگی مبتنی بر مجازات است. به عبارت دیگر، حزبالله سعی می‌کند به صهیونیست‌ها این نکته را القاء کند که اگر به لبنان حمله کنند، آنها با تخریب زیرساخت‌ها و دارایی‌های ارزشمند رژیم صهیونیستی، واکنش نشان خواهند داد. در همین رابطه، سید حسن نصرالله در گفتگو با غسان بن جدو مدیر شبکه المیادین، این تهدید را مطرح کرده: «مشکل [اسرائیل فقط] در انبارهای آمونیاک نیست که در حیفاست. زیرساخت‌های پتروشیمی و آنچه بیولوژیکی است، تأسیسات اتمی و انبارهای اتمی و زرادخانه‌های کلاهک‌های اتمی... اینها کارخانه‌ها و تأسیساتی است که در شهرها و در جوار شهرهای اسرائیلی موجود است. اینها اهدافی است که اگر اسرائیل بخواهد زیرساخت‌های ما را بزند، حق ماست که هر هدفی که برای دشمن بازدارندگی ایجاد کند، هدف بگیریم» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵/۱۲). زیرساخت‌ها و تأسیسات از دو منظر ایجابی و سلبی برای رژیم اشغال‌گر قدس حایز اهمیت و ارزش است: از منظر

1. Gadi Eizenkot

ایجابی زیرساخت‌ها و انبارهای تسلیحاتی، بخش مهمی از قدرت نظامی و صنعتی آنها را شکل می‌دهد و از منظر سلبی نیز، هرگونه آسیبی به این تأسیسات و زیرساخت‌ها می‌تواند تلفات انسانی بسیار گسترده‌ای به دنبال داشته باشد. لذا تأکید حزب‌الله بر تخریب حساس‌ترین و مهم‌ترین مظاهر قدرت رژیم اشغال‌گر قدس در صورت تجاوز نظامی علیه لبنان، می‌تواند موجب ترس و وحشت مقامات این رژیم از عملی شدن تهدیدات شود و نتیجتاً بازدارندگی ایجاد کند. بازدارندگی بر پایه‌ی ممانعت نیز می‌تواند تا حدی در تشریح منطق تهدیدهای حزب‌الله از قدرت تبیینی برخوردار باشد. در ممانعت مستقیم، طرف مقابل با گفتار و اقدامات تهدیدآمیز اما متقاعدکننده خطاب قرار می‌گیرد. حسن نصرالله اکنون همین شیوه را در پیش گرفته است. او با بیان دقیق حوزه‌های مورد تهدید حزب‌الله در سرزمین‌های اشغالی، سعی دارد تا تهدیدش را برای صهیونیست‌ها کاملاً عینی سازد (ساسانیان(ب)، ۱۳۹۵). این موضوع درحالی است که از منظر بسیاری از فرماندهان نظامی اسرائیل بین تهدیدات لفظی و اقدامات عملی رهبر جنبش حزب‌الله انطباق زیادی وجود دارد و سخنان وی صرفاً جنبه شعاری ندارد. اعتبار تهدیدات یا ضد تهدیدات سید حسن نصرالله، به‌عنوان یکی از شاخصه‌های مهم استراتژی بازدارندگی، تاکنون نقش حایز اهمیتی در ایجاد الگوی امنیتی ایفاء کرده است.

شیوه‌ای که معمولاً حزب‌الله برای بیان ابزار انتقال تهدید یا ضد تهدید بازدارنده‌ی خود از آن بهره می‌برد، سخنرانی بالاترین مقام رسمی این جنبش یعنی سید حسن نصرالله است؛ به‌عبارت دیگر، تنها دبیر کل حزب‌الله است که تهدیدات بازدارنده را مطرح می‌کند. البته علاوه بر مصاحبه و سخنرانی‌های دبیر کل، برخی اقدامات رسانه‌ای و هنری شبکه المنار نیز در این حوزه مؤثر بوده است؛ اما آنچه اصلی‌ترین و پربسامدترین ابزار بوده، بیان مواضع و تهدیدات از سوی سید حسن نصرالله بوده است. ویژگی‌های شخصیتی سید حسن ازجمله ادبیات و شیوه‌ی سخنرانی و همچنین اعتقاد صهیونیست‌ها به «صادق» بودن او، باعث شده تا انتقال تهدید به بهترین شکل ممکن صورت گیرد (ساسانیان(ب)، ۱۳۹۵). در همین ارتباط، ملموس‌سازی تهدیدات می‌تواند در متقاعد کردن

صهیونیست‌ها بسیار حایز اهمیت باشد؛ به عبارت دیگر رهبر حزب‌الله می‌کوشد تا با کاهش امید دشمن در کسب موفقیت از طریق تصویرسازی پیامدهای واکنش حزب‌الله، امکان حمله‌ی رژیم صهیونیستی به لبنان را کاهش دهد. در شرایط کنونی با توجه به افزایش توانمندی نظامی-موشکی حزب‌الله لبنان سطح تهدیداتی که این سازمان برای واکنش به حمله احتمالی رژیم صهیونیستی مطرح می‌کند، به طرز شگفت‌انگیزی ارتقاء یافته است.

نکته مهمی دیگری که وجود دارد تغییر ماهیت تهدیدات حزب‌الله از رویکرد صرفاً تدافعی به رویکردی تهاجمی و پیش‌روی در سرزمین‌های اشغالی است. در همین زمینه، دبیر کل حزب‌الله در مصاحبه با شبکه المیادین در شهریور ۹۱ اظهار داشت: «اگر اسرائیل به ما حمله کند، ما به دفاع بسنده نخواهیم کرد. روزی به رزمندگان گفتیم که آماده باشید شاید روزی بیاید که ما وارد الجلیل [در شمال سرزمین‌های اشغالی] شویم» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱/۶/۱۴). تهدیدات حزب‌الله برای افزایش سطح موفقیت بازدارندگی، باید سه ویژگی داشته باشد: نخست این که صهیونیست‌ها آن را باور کنند؛ دوم، عقلانی باشد و سوم اجرای آن با درصد بالا ارزیابی شود. به نظر می‌رسد تهدیدات حزب‌الله از هر سه ویژگی برخوردار بوده و این موضوع فی‌النفسه امنیت و ثبات موجود را تداوم بخشیده است.

نتیجه‌گیری

پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه یا «جنگ تموز» در سال ۲۰۰۶ نقطه عطفی در تاریخ لبنان محسوب می‌گردد که به نوعی تبدیل به خط پایانی بر شکست‌های اعراب از اسرائیل شد. در این جنگ حزب‌الله با قدرت نظامی و موشکی خود علاوه بر تحمیل شکست بر رژیم صهیونیستی، معادلات استراتژیک ژئوپلیتیک خاورمیانه را نیز تغییر داد. از آن مقطع تاکنون فرصت خوبی برای جنبش حزب‌الله فراهم گردید تا توان تسلیحاتی خود را تقویت کند و با پشتوانه قدرت پدافندی با محوریت تسلیحات موشکی یک نگرانی امنیتی معطوف به بازدارندگی در برابر اسرائیل ایجاد نماید

که صهیونیست‌ها از آن به‌عنوان «آرامش وحشت» نام می‌برند.

در همین ارتباط، با توجه به فرضیه‌ی پژوهش، می‌توان تأکید نمود که آشکارشدن ظرفیت و توان نظامی و موشکی حزب‌الله و متعاقباً تقویت فزاینده آن در یک دهه اخیر موجب افزایش قابل ملاحظه قابلیت بازدارندگی این جنبش در مقابل اسرائیل شده و متعاقباً صهیونیست‌ها را از تجاوز و اقدام نظامی احتمالی بازداشته است. به‌عبارتی، حزب‌الله تلاش کرده تا این پیام را به رهبران تل‌آویو القاء کند که هرگونه تجاوز نظامی احتمالی هزینه‌بر است و هزینه‌ی آن بیشتر از سودی است که آن رژیم تحصیل خواهد نمود. در همین ارتباط، سخنان و بیانات سید حسن نصرالله علیه اسرائیل مبنی بر انتقام گسترده، در صورت تجاوز احتمالی این رژیم، نقش مهمی تاکنون در بعد روانی بازدارندگی ایفاء نموده است. چراکه از منظر بسیاری از مقامات صهیونیستی انطباق زیادی میان سخنان و عملکرد سید حسن نصرالله وجود دارد و امکان تحقق و عملیاتی شدن تهدیدات وی بسیار محتمل می‌باشد.

آنچه مسلم است این موضوع است که تا سال ۲۰۰۶ قدرت بازدارندگی و دفاعی حزب‌الله لبنان مورد تردید بسیاری از گروه‌ها قرار داشت؛ اما از جنگ ۳۳ روزه به بعد، این جنبش به‌عنوان یک قدرت بازدارنده منطقه‌ای ظهور کرد که موجب ارزیابی مجدد فرماندهان نظامی و اطلاعاتی تل‌آویو از توان این جنبش گردید. به‌گونه‌ای که آنها در محاسبات و معادلات استراتژیکی به‌ویژه علیه ایران، قدرت بازدارندگی حزب‌الله را علی‌الخصوص در حوزه موشکی مدنظر قرار می‌دهند. در همین رابطه، برخی ممانعت اسرائیل از اقدام نظامی یک‌جانبه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران را بیم رهبران این رژیم از توان موشکی جنبش حزب‌الله بر می‌شمردند. این موضوع فی‌النفسه مبین این واقعیت است که حزب‌الله توانسته است به‌صورت غیرمستقیم توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران را در برابر اسرائیل ارتقاء بخشیده و موازنه قدرت را به سود ایران در ژئوپلیتیک خاورمیانه تغییر دهد.

علاوه بر این، در حال حاضر با افزایش نیروهای نظامی، استفاده از تسلیحات پیشرفته‌تر و توسعه قدرت نظامی، موقعیت و نقش حزب‌الله لبنان تقویت شده و متعاقباً شاهد حضور و تاثیرگذاری

قابل ملاحظه این سازمان در صفحه شطرنج استراتژیک خاورمیانه هستیم؛ به عبارت دیگر، حزب الله در حال حاضر صرفاً یک جنبش فرو ملی محسوب نمی گردد، بلکه یک کنش گر منطقه ای است که اهداف فراملی را به ویژه در راستای محور مقاومت دنبال می کند. نقش و نفوذ این جنبش در معادلات و تحولات منطقه به ویژه در دفاع از سوریه و در مقابله با گروه های تروریستی در همین راستا قابل ارزیابی است.

همچنین، علاوه بر قدرت بازدارندگی حزب الله در قبال اقدامات احتمالی نظامی اسرائیل علیه لبنان، پیروزی های این جنبش در مقابل رژیم اشغال گر اسرائیل از سویی به الگویی برای گروه های مقاومت در فلسطین تبدیل شده است؛ به طوری که پیروزی قاطع رژیم صهیونیستی را بر این نیروها بسیار دشوارتر از گذشته کرده است. به سخنی دیگر، کامیابی های نظامی و قدرت نظامی حزب الله انگیزه های نیروی های مقاومت منطقه ای به ویژه نیروی های مقاومت فلسطینی را در قبال اسرائیل تشدید کرده و آن ها را به آینده روشن تر ترغیب نموده است. از سوی دیگر نیز، همان گونه که پیش تر اشاره گردید، توان نظامی و موشکی حزب الله موجب افزایش قدرت بازدارندگی ایران در برابر اسرائیل شده است. رهبران اسرائیل علی رغم تهدیدات گوناگون نظامی، نهایتاً در چارچوب «منطق اقدام» و محاسبه سود و زیان در قبال ایران عمل خواهند کرد. در این طیف از محاسبات که امنیت کانون محوری آن را شکل می دهد، قدرت نظامی حزب الله در کنار قابلیت نظامی ج.ا. ایران نقش اساسی و حایز اهمیتی ایفاء می کند. اگرچه بازدارندگی حزب الله موجب شده تا تقابل احتمالی آینده به تعویق بیافتد و صلح و امنیت نسبی بین لبنان و اسرائیل شکل بگیرد، اما این به معنای اتخاذ رویکرد منفعلانه رژیم صهیونیستی نبوده است. در همین رابطه، نخبگان سیاسی اسرائیل تاکنون تلاش کرده اند تا با ایجاد جنگ روانی در قالب حمله نظامی احتمالی و همچنین ایجاد بی ثباتی در داخل کشور از طریق بمب گذاری ها و تشدید منازعات قومی-فرقه ای، فضای امنیتی لبنان را ملتهب و ناامن کرده و نیروی مقاومت را در منطقه تحت فشار قرار دهند؛ که البته تا حدودی زیادی ناکام بوده اند.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. ابوالقاسم‌زاده، حمید، (۱۳۸۸)، «تاثیر انقلاب اسلامی در شکل‌گیری و مبارزات حزب‌الله لبنان»، قابل دسترسی در: www.bashgah.net/fa/content/show/39242
۲. اسپوزیتو، جان. ال، (۱۳۸۲)، «انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن»، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۳. اسداللهی، مسعود، (۱۳۸۲)، «جنبش حزب‌الله لبنان، گذشته و حال»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. اسداللهی، مسعود، (۱۳۸۶)، «از مقاومت تا پیروزی»، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۵. باقریدولت‌آبادی، علی، (۱۳۹۲)، «نقش عنصر بازدارندگی در راهبرد نظامی ایران»، مجله‌ی سیاست دفاعی، سال ۲۲، شماره‌ی ۸۵.
۶. بلیس، جان و دیگران، (۱۳۸۳)، «استراتژی در جهان معاصر: مقدمه‌ای بر مطالعات استراتژیک»، ترجمه کابک خبیری، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۷. پایگاه خبری خاورمیانه، (۱۴ / ۸ / ۱۳۹۵)، «حزب‌الله لبنان به قوی‌ترین سازمان جهان تبدیل شده است»، قابل دسترسی در: <http://middleeastpress.com/blog/>
۸. جهان نیوز (۱۳۹۶)، «حزب‌الله لبنان از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷»، قابل دسترسی در: www.jahannews.com/news/533544
۹. حاتمی، محمدرضا و مرتضی بحرانی، (۱۳۹۲)، «دایرةالمعارف جنبش‌های اسلامی»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
۱۰. حسینی، علی و سوسن قاسمی حیدری، (۱۳۹۴)، «تاثیر بن لایه‌های انقلاب اسلامی ایران بر بیداری سیاسی، اجتماعی شیعیان لبنان»، مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۴، شماره ۷.
۱۱. خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۵/۱۲/۱۰)، «حزب‌الله و رژیم صهیونیستی؛ از جنگ سرد تا جنگ فراگیر»، قابل دسترسی در: www.tasnimnews.com/fa/news/1395/12/10/1341555
۱۲. خبرگزاری دفاع مقدس، (۱۳۹۵/۶/۳۱)، «مؤلفه‌های تاثیرپذیری حزب‌الله لبنان از انقلاب

www.sndu.ac.ir

اسلامی ایران»، قابل دسترسی در:

۱۳. خبرگزاری فارس، (۱۳۹۱/۶/۱۴)، «در گفت‌وگو با شبکه المیادین نصرالله: اسرائیل حمله کند، به دفاع اکتفا نمی‌کنیم و وارد الجلیل می‌شویم»، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910613001385>

۱۴. خبرگزاری فارس، (۱۳۹۵/۱/۲)، «نصرالله: اگر جنگ تحمیل شود، حزب‌الله خط قرمزى نمی‌شناسد/ خروج ما از سوریه کذب است/ طرح عربستان در سوریه و یمن شکست خورده»، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950102000536>

۱۵. خبرگزاری فارس، (۱۳۹۴/۱۱/۲۷)، «دبیر کل حزب‌الله لبنان: سوریه ستون خیمه مقاومت باقی می‌ماند/ اجازه تسلط طاغوتیان بر سوریه را نمی‌دهیم»، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13941127001547>

۱۶. خبری، کابک، (۱۳۸۲)، «راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران (ملزومات و راهکارها)»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۱، شماره ۱.

۱۷. خسروشیری، علی و مصطفی جوان، (۱۳۸۸)، «ایران پس از انقلاب اسلامی و حزب‌الله لبنان: تأثیرات و پیامدها»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۲، شماره ۴۲.

۱۸. روزنامه انتخاب، (۱۳۹۵ /۵/۱۹)، «ناگفته‌های جنگ ۳۳ روزه از زبان مقام امنیتی سابق آمریکا»، قابل دسترسی در:

<http://www.entekhab.ir/fa/news>

۱۹. روزنامه فرهیختگان، (۱۳۹۶/۴/۳)، «قدرت موشکی خیره کننده حزب‌الله: تهدید رو به گسترش برای اسرائیل»، قابل دسترسی در:

<http://newspaper.fdn.ir/newspaper/pagepdf/22532>

۲۰. زارعان، احمد، (۱۳۹۳)، «بررسی روند تبدیل جنبش حزب‌الله لبنان از قدرت محلی به قدرتی ملی و منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال ۱۵، شماره ۳.

۲۱. زرچینی، محمد، (۱۳۹۴)، «سه موشک کلیدی حزب‌الله در جنگ با ارتش اسرائیل»، قابل دسترسی در:

www.yjc.ir/fa/news/5527868

۲۲. زرچینی، محمد، (۱۳۹۵)، «پاسخ موشکی حزب‌الله به گستاخی «مرد شماره ۲» ارتش اسرائیل»، قابل دسترسی در:

www.yjc.ir/fa/news/5577155

۲۳. ساسانین، سعید (ب)، (۱۳۹۵)، «ارتقاء سطح تهدیدهای حزب‌الله لبنان و شاخصه‌های بازدارندگی آن»، قابل‌دسترسی در:

<http://www.tabyincenter.ir/qadim/index.php/menu-examples/child-items>

۲۴. ساسانین، سعید، (۱۳۹۵)، «امکان‌سنجی حمله رژیم صهیونیستی به حزب‌الله لبنان/ بخش دوم»، قابل‌دسترسی در:

۲۵. شورای راهبردی خارجی، (۱۳۹۶/۲/۶)، «افزایش هزینه‌های نظامی جهان در سال ۲۰۱۶»، قابل‌دسترسی در: www.scfr.ir

۲۶. شیروودی، مرتضی، (۱۳۸۴)، «انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال ۵، شماره ۱۱ و ۱۲.

۲۷. طاهری، سید مهدی، (۱۳۹۲)، «تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان با تأکید بر جنبش حزب‌الله»، قابل‌دسترسی در:

www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920405001194

۲۸. طاهری، سیدمهدی، (۱۳۸۹)، «تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان با تأکید بر جنبش حزب‌الله»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۷، شماره ۲۳.

۲۹. عباسی، علی، (۱۳۹۵)، «معادلات ۱۰ ساله حزب‌الله و رژیم صهیونیستی/ برآورد واقع‌گرایانه از توانمندی‌های متقابل»، قابل‌دسترسی در:

۳۰. عبدالله‌خانی، علی، (۱۳۸۹)، «نظریه‌های امنیت»، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

۳۱. قاسمی، فرهاد و عباس کشاورز شکری، (۱۳۸۸)، «نگرشی به سیستم بازدارندگی منطقه‌ای در روابط بین‌الملل: مطالعه موردی ایران و آمریکا»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، زمستان، شماره ۲۰.

۳۲. قوام ملکی، حمیدرضا، (۱۳۹۰)، «نقش موشک‌ها در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رهنما سیاست‌گذاری، سال ۲، شماره ۳.

۳۳. کریمی، محمود، (۱۳۸۸)، «جنگ ۳۳ روزه»، قابل‌دسترسی در:

<http://rasekhoon.net/article/show/140424/->

۳۴. گزارش باشگاه خبرنگاران، (۱۳۹۵/۱/۲۲)، «تسلیمات حزب‌الله که آمریکا را به هراس انداخت»، قابل‌دسترسی در: www.otaghkhabar24.ir/news/43139
۳۵. گزارش باشگاه خبرنگاران، (۱۳۹۴/۱۱/۶)، «بلایی که موشک‌های حزب‌الله بر سر اسرائیل می‌آورند»، قابل‌دسترسی در: www.otaghkhabar24.ir/news/33233
۳۶. گزارش گروه بین‌المللی مشرق، (۱۳۹۵/۱/۱۴)، «پیروزی حزب‌الله در جنگی که آغاز نشد/ وقتی فاتح ۱۱۰ خطرناک‌ترین سلاح دنیا را از کار می‌اندازد»، قابل‌دسترسی در: www.mashreghnews.ir/news/551502
۳۷. گلشنی، علیرضا و محسن باقری، (۱۳۹۱)، «جایگاه حزب‌الله لبنان در استراتژی ۳۸. بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۴، شماره ۱۱.